

مطالعه کیفی تابوها در نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق

لیلا بهرامی*

افسانه توسلی**

چکیده

پژوهش میان رشته ای حاضر، با هدف کشف و بررسی تابوهای جنسی و اثر آن بر دادخواست های طلاق توسط زوجه در محاکم دادگستری صورت پذیرفته است. ابتدا، عوامل موثر بر بدعملکردی و یا اختلال در کارکرد روابط جنسی زوجین بررسی گردید و سپس زمینه‌های فردی و جامعه‌شناختی تابوهای جنسی که منجر به پنهان داشتن علت طلاق و تغییر عنوان دادخواست های مطروحه توسط زنان شده بود مورد بحث قرار گرفت. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا بوده و نمونه‌گیری از بین افراد مراجعه‌کننده به محاکم دادگستری و دفاتر وکلا انجام گرفت. ۱۰ نفر از بین زنان مطلقه و ۱۶ نفر از میان زنان متقاضی طلاق انتخاب شدند. ابزار اصلی سنجش متغیر پژوهش، مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته بود. تمامی زنان مطلقه و یا درخواست کننده طلاق مورد مصاحبه، از کیفیت روابط جنسی خود اعلام نارضایتی نموده و مهم‌ترین عوامل آن به ترتیب ذیل ناتوانی در تامین نیازهای جنسی زنان، فقدان نوازش و اختلال در روابط عاطفی و کلامی دسته بندی گردید. همچنین، درک از تابوهای جنسی در بین زنان، در سطح فردی و اجتماعی، با فراوانی مضامین شرم، ترس از قضاوت، وجود خلاء های قانونی و فضای حاکم بر محاکم شناسایی گردید. نتایج حاصله، تاثیر مهم نارضایتی جنسی

* دانشجوی دکتری مطالعات زنان (گرایش حقوق زن در اسلام)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، lbahrami98@gmail.com

** دانشیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، afsaneh_tavassoli@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

بر تقاضای طلاق را نشان می‌دهد و وجود تابوهای جنسی در بین زنان، بر مکتوم داشتن آن در دادخواست‌ها موثر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نارضایتی جنسی، تابو، روابط جنسی زوجین، اختلال جنسی، طلاق

۱. مقدمه و طرح مساله

رضایت زناشویی از تجمیع متغیرهای بسیاری ایجاد می‌شود که یکی از مهمترین این متغیرها، رضایت جنسی است. آمارها بر اساس اختلالات اعلام شده در مراکز مشاوره و پژوهش‌ها (فروتن، ۱۳۷۸:۳۷؛ هنریان، ۱۳۹۰:۱۴۰)، نشان از شیوع اختلالات جنسی و یا بدعملکردی در روابط خاص زناشویی دارد که این امر در بسیاری از موارد از جمله علل جدایی‌ها شمرده می‌شود (محمد صادق، ۱۳۹۷:۳۵) و گاهی به عنوان علت اصلی مراجعه به محاکم ذکر نشده و مستور می‌ماند و مفارقتنذیل عناوین دیگری رخ می‌دهد.

نتایج پژوهش‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی زوجین ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و این امر در کاهش یا افزایش تعارضات زناشویی موثر می‌باشد (معصومی، ۱۳۹۶:۱، موحد، ۱۳۸۹:۱)؛ همچنین سلامت روان زوجین به رضایت جنسی وابسته است (طلایی‌زاده، ۱۳۹۵:۱، قانلی، ۱۳۹۵:۱). نتایج یک پژوهش دیگر، مشکلات جنسی زوجین را در ۴ دسته محرومیت جنسی، بی‌میلی جنسی، آزار جنسی و روابط جنسی نامشروع، دسته بندی نموده که، یک سویه نگری به ارضای نیازهای جنسی از سوی مرد، درخواست مکرر برای برقراری روابط، تنوع طلبی و شرم و حیا از سوی زن بیشترین تاثیر را در ایجاد مشکلات جنسی زنان دارا بودند (نعیمی، ۱۳۹۱:۹۰). همچنین، اختلالات جنسی متأثر از آموزش جنسی ناکافی یا الگوهای فرهنگی و عرفی متعارض، می‌تواند منجر به سکوتی رنج‌آور و بدون آگاهی صحیح از دلایل آن شده و به روان و جسم زنان آسیب بزند. به علت وجود اسطوره‌ها و باورهای منفی در میان زنان درباره‌ی تمایلات و روابط جنسی که ریشه در فرهنگ و اجتماع دارند و در اجتماعات مردسالاری چنین باورهای نادرستی در آنان نهادینه شده است، قادر نیستند به‌گونه‌ای مناسب تمایلات جنسی مشروع خود را در روابط زناشویی بیان نموده و دچار خلل در حق جنسی خود خواهند گردید (اسدی، ۱۳۹۲:۶۶). تحلیل این پژوهش‌ها، نشان از اهمیت و ضرورت پرداختن به روابط جنسی زوجین برای حل تعارضات زناشویی و یا واکاوی علت تقاضای طلاق دارد.

در این میان، با دو گروه از زنان رو به رو هستیم که به دلایلی تمایل به ابراز این مساله جهت حل مشکل نداشته و به نظر می رسد، بستر جامعه و وجود تابوها در شکل گیری این عدم تمایل موثر می باشد. گروه اول در مواجهه با اختلال در روابط جنسی به دلایلی از جمله شرم، ترس از قضاوت، تابو بودن طرح این مسائل و ... به کلی سکوت را بر درمان و یا پیگیری جهت استیفای حق قانونی خود ترجیح می دهند که این امر در عمل می تواند منجر به طلاق عاطفی و یا دلزدگی زناشویی گردد. از سویی، گروه دیگری از زنان روبرو با اختلالات جنسی، تصمیم بر جدایی گرفته و عمدتاً علت جدایی را ذیل عناوین دیگری در محاکم ابراز می دارند. در اطلاعات منتشره از نهادهای رسمی قضایی در بیان علل طلاق براساس دادخواست های مطروحه، اختلال در روابط جنسی جزو علل مهم بر شمرده نمی شود، ولی همان گونه که اشاره گردید در بررسی ها و پژوهش های میدانی محققان و پژوهشگران، بخشی از جدایی ها به بدعملکردی در روابط جنسی زوجین و ایجاد اختلال جنسی متسبب می گردد و در مواردی از علل اولیه و اساسی درخواست طلاق نام برده می شود. علت وجود این تفاوت در دسته بندی علل، چه می تواند باشد و تناقض موجود چگونه قابل حل خواهد بود؟

این پژوهش در پی آن است، ابتدا با بررسی علل نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق، تجارب آنان را مورد توجه قرار داده و زمینه های شکل گیری آن را بررسی نماید. همچنین، یکی از سوالات مهم پژوهش این است که در صورت درخواست جدایی از سوی زن به واسطه موارد مذکور، آیا تابوها می توانند موثر باشند؟

تابوها به عنوان یک برساخته اجتماعی، در روان جمعی افراد یک جامعه حضور دارند که از سویی ترس ها و هراس های ناخودآگاه واز سویی امیال و غرایز پنهان افراد یک جامعه را نشان می دهند (فروید، ۱۳۸۴: ۴۵). به نظر می رسد بحث و نظر پیرامون روابط خاص زناشویی از دیرباز در نهاد جمعی بشر به نوعی تابو شمرده شده و بدان کمتر پرداخته می شود. در سال ۲۰۱۴^۱ پژوهشی در مورد تابوی جنسی و قضاوت های اخلاقی نشان داد، مردم، اغلب رفتارهای دارای تابوی بی ضرر را محکوم می کنند و بر این اساس نقش دیدگاه های فردی و ملاحظات اخلاقی در اثر بخشی تابوها اهمیت دارد.

«گفتگو یا عدم گفتگو پیرامون تابوها در ارتباطات بین زوجین» عنوان پژوهشی است در سال ۲۰۱۰^۲ به مسئله ی تابوها در ارتباطات بین زوجین اشاره نموده است. در فرایند زوج درمانی، صحبت پیرامون وقایع دردناک برای حل تعارض و درمان ضرورت دارد. وجود

برخی تابوها، مانع گفتگو بوده و سبب سکوت زوجین در مسیر درمان می‌گردد. این مقاله نشان می‌دهد، گفتگو در موضوعات دشوار، شرم آور و دردناک، با حذف تابوها در بهبود ارتباطات بسیار موثر می‌باشد.

سوال دیگر پژوهش این است، آیا ترس از آبرو و برجسب زنی از سوی جامعه، در احقاق حقوق جنسی زنان موثر می‌باشد؟ اروینگ گافمن Erving Goffman، با طرح نظریه داغ ننگبه بررسی مبانی جامعه‌شناختی و موقعیت افرادی که هویت اجتماعی‌شان به دلیل یک داغ ننگ از قبیل زخم جسمی، رفتاری یا اخلاقی در معرض آسیب قرار گرفته است پرداخته و آن را به صورت احساس‌بنام‌کننده اجتماعی از یک شخص تعریف می‌کند (گافمن، ۱۳۹۲: ۱۴۵). همچنین، مبنای انگ زنی Labeling Theory نیز نظریه کنش متقابل نمادین است که افراد یاد می‌گیرند نگرش دیگران نسبت به خود را درک و بر اساس همان خود انگاره رفتار نمایند و بر این اساس، ترس از برجسب خوردن، مانع نمایش خود واقعی می‌گردد. این دیدگاه در جرم‌شناسی و تحلیل انحرافات کاربرد فراوانی دارد (بروک، ۱۹۹۹: ۱۴۴).

در طلاق به درخواست زن، وی باید علت درخواست خود را ابراز کند و آن را مستند به علل ذکر شده در قانون و یا عقدنامه ثابت نماید. زوجه به واسطه شروط ضمن عقد و یا با توجه به یکی از جهات قانونی از جمله غیبت زوج (۱۰۲۹)، استکاف شوهر از دادن نفقه (۱۱۲۹) و عسر و حرج مندرج در ماده ۱۳۰ قانون مدنی، حق طلاق را به دست آورده است. این ماده، ماده ایی عام محسوب می‌شود و می‌تواند هر علتی که منجر به سختی غیرقابل تحمل برای زن در زندگی زناشویی گردد را شامل شود. در علت‌شناسی پدیده طلاق توجه قانونگذار به اختلالات جنسی و اثر بخشی آن در نکاح بسیار اهمیت دارد. اگر یکی از زوجین بتواند با اثبات انحراف و یا اختلال جنسی طرف مقابل و عسر و حرج خود، حق طلاق را کسب نماید و یا همراه با آن اقدام به زایل کردن حقوق مالی و غیر مالی همسر خود نماید، از این رهگذر، دلیل طلاق را می‌تواند خلیل در روابط جنسی عنوان کند (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۱). بررسی صحت و سقم این ادعا، توسط محاکم و مستند به ادله شرعی و قانونی بوده و در صورت احراز این امر بر مبنای حرج زوجه، حکم به طلاق قضایی، امکان پذیر خواهد بود.

بررسی ابعاد نارضایتی جنسی زنان و نقش تابوها در ایجاد پنهان کاری و یا مسکوت ماندن معضل و بحران در روابط جنسی زوجین، از اهداف مهم پژوهش می‌باشد که این

مهم در تامین حق قانونی زن در بهره مندی از حق طلاق قضایی به واسطه عسر و حرج بسیار اهمیت می یابد.

۲. روش و شیوه تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل محتوا، یک روش تحقیق کیفی به طور گسترده است و سه رویکرد متمایز را نشان می دهد که هر سه روش برای تفسیر معنایی از محتوای داده های متن استفاده می شود و شامل شمارش و مقایسه ی کلمات کلیدی محتوا و پس از آن تفسیر زمینه می باشد (فنگ شیه ۲۰۰۵ Fang Hsieh). هنگام استفاده از تحلیل محتوا، هدف این است که یک مدل برای توصیف پدیده در قالب مفهومی ایجاد کنیم. مفاهیم، از داده ها در تحلیل محتوا حاصل می شود (ساتو الو Satu Elo ۲۰۰۸). رویکرد کیفی، امکان درک و فهم عمیق سوال پژوهش را برای محقق فراهم می آورد. بررسی نارضایتی جنسی و وجود تابوها و تاثیر آن در نوع نگاه زنان متقاضی طلاق، موضوعی است که نیاز به واکاوی و فهم عمیق از رفتار و تفکرات کنش گر دارد. از این رو، روش کیفی و با شیوه مصاحبه عمیق برای نیل به اهداف پژوهش انتخاب گردید.

نمونه ها از بین زنان متقاضی طلاق و مطلقه مراجعه کننده به دفاتر وکالت، مراکز مشاوره و محاکم خانواده، به صورت آگاهانه و هدف دار و غیر تصادفی انتخاب شده اند. همچنین با توجه به سابقه فعالیت حقوقی یکی از محققین در محاکم دادگستری و اشتغال به وکالت و دریافت مشاوره از سایر وکلا، شناسایی موارد مد نظر پژوهش امکان پذیر گردید. بعد از شناسایی نمونه ها از بین زنان مطلقه و در آستانه ی طلاق، ۲۶ نفر جهت مصاحبه ی عمیق انتخاب گردیدند.

مهم ترین جنبه ی مصاحبه، مبتنی بر نگرش پذیرش است؛ یعنی اطلاعاتی را که فرد یا جامعه مورد تحقیق به پژوهش گر می دهد، ارزش مند و مفید تلقی می شود (مارشال، ۱۱۲: ۱۳۷۷). مصاحبه ها بعد از پیاده سازی به متن، به دقت مورد بررسی قرار گرفته و ۴۲ مفهوم اولیه استخراج و کد گذاری شد. کد گذاری باز، قصد دارد تا داده ها و پدیده ها را در قالب مفاهیم درآورد. به این منظور ابتدا داده ها از هم مجزا می شوند. عبارت ها (کلمات منفرد یا مجموعه ای کوچک از چند کلمه) براساس واحدهای معنایی دسته بندی می شوند تا تعلیقات و «مفاهیم» (کدها) به آن ها ضمیمه شوند. در مرحله بعد پالایش و تفکیک مقوله های به دست آمده از کد گذاری باز صورت می پذیرد. از میان انبوه مقوله های به وجود آمده در

مرحله‌ی کدگذاری باز، آن‌هایی که به نظر می‌آید بیش از سایر مضامین در مراحل بعدی به کار می‌آیند، انتخاب می‌شوند. برای پالایش بیشتر، از پرسش‌ها و مقایسه‌ها، استفاده می‌شود و بالاخره، روابط میان این مضامین و سایر مقوله‌ها تشریح می‌شود. از همه مهم‌تر این است که روابطی میان مقولات و مقولات فرعی‌شان برقرار و تشریح شود (فیلیک، ۱۳۹۴: ۳۳۰). بدین منظور ابتدا بر روی عبارات مهم و کلیدی کدگذاری باز صورت پذیرفت، سپس ۹ مضمون جزئی از کدگذاری‌های باز استخراج گردید و در سه مضمون کلی و محوری، نگرش، باورها و عملکرد فردی زوج، چالش‌ها در روابط همسران و نگرش جامعه دسته بندی شد.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش پس از بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری مفاهیم استخراج گردیده است. پارادایم کلی نظریه متشکل از پدیده، که تبیین نارضایتی و تابو جنسی در زنان و اثر بخشی آن در دادخواست‌های طلاق بوده و شرایط علی در سه مضمون محوری نگرش و عملکرد فردی زوج، چالش‌ها در روابط همسران و ابعاد و زمینه‌های اجتماعی آشکار گردید. همچنین شرایط زمینه‌ای چون، سبک زندگی زوج، باورهای مذهبی و فقدان تمایل جنسی نسبت به زوجه موثر در اختلال در روابط تشخیص داده شد. عوامل مداخله‌گر نیز، شامل روابط عاطفی، باورهای جنسی، ترس از قضاوت و آبرو، خالهای قانونی، شرایط محاکم شناسایی شد. استراتژی زنان در مواجهه با پدیده، تلاش برای حل مساله، مشاوره، سکوت، سرخوردگی، پرخاش‌گری و مقابله به مثل بوده است. پیامد مساله تصمیم و اقدام به جدایی و طلاق می‌باشد.

نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تاهل	مدت زندگی مشترک (به سال)	تعداد فرزند
کد ۱	سهیلا	31	کارشناسی	خانه دار	مطلقه	۲
کد ۲	زهرا	29	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۳
کد ۳	مریم	33	کارشناسی ارشد	کارمند	مطلقه	۳
کد ۴	مهناز	34	کارشناسی	کارمند	متقاضی طلاق	۱
کد ۵	نازی	26	کارشناسی	آزاد	متقاضی طلاق	۲

مطالعه کیفی تابوها در نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق ۷۵

۶.کد	آزیتا	25	کارشناسی ارشد	کارمند	مطلقه	۱	-
۷.کد	رها	22	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۱	-
۸.کد	مهتاب	27	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۲	-
۹.کد	شهلا	28	کارشناسی	آزاد	متقاضی طلاق	۳	-
۱۰.کد	محبوبه	30	کارشناسی ارشد	خانه دار	مطلقه	۳	-
۱۱.کد	طیبه	36	کارشناسی	کارمند	متقاضی طلاق	۶	۱
۱۲.کد	هاجر	33	دیپلم	خانه دار	متقاضی طلاق	۴	-
۱۳.کد	مهسا	34	کارشناسی ارشد	آزاد	مطلقه	۵	۱
۱۴.کد	بهناز	31	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۳	۱
۱۵.کد	سارا	32	کارشناسی	کارمند	متقاضی طلاق	۳	-
۱۶.کد	پری	39	دیپلم	خانه دار	متقاضی طلاق	بیش از ده سال	۲
۱۷.کد	شیما	33	کارشناسی ارشد	خانه دار	مطلقه	۵	۱
۱۸.کد	منصوره	35	کارشناسی	کارمند	متقاضی طلاق	۶	۱
۱۹.کد	جیبیه	37	دیپلم	خانه دار	متقاضی طلاق	۷	۱
۲۰.کد	راحله	35	کارشناسی	خانه دار	مطلقه	۴	-
۲۱.کد	فریبا	38	دیپلم	آزاد	مطلقه	بیش از ده سال	۲
۲۲.کد	راضیه	22	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۲	-
۲۳.کد	فاطمه	34	کارشناسی ارشد	کارمند	مطلقه	۵	۱
۲۴.کد	سیما	42	کارشناسی	خانه دار	متقاضی طلاق	۸	۱
۲۵.کد	رقیه	25	فوق دیپلم	خانه دار	متقاضی طلاق	۱	-
۲۶.کد	میترا	28	دیپلم	کارگر	مطلقه	۲	-

مطابق اطلاعات توصیفی، بیشترین فراوانی در رده‌ی سنی ۳۵-۳۱ مشاهده گردید، که ۵۷/۶۹ درصد از افراد مورد مصاحبه می‌باشند و کمترین فراوانی با رده‌ی سنی ۲۵-۱۹، ۷/۶۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. به نظر می‌رسد با افزایش سن زنان، تمایل افراد در جهت احقاق حق جنسی افزایش می‌یابد. بیشترین فراوانی سطح سواد، مدرک کارشناسی با ۵۳/۸۴ درصد و کمترین فراوانی سطح سواد، مدرک دیپلم با ۱۹/۲۳ درصد می‌باشد. ۲۶/۹۲ درصد زنان در مشاغل اداری، اشتغال دارند و ۱۵/۳۸ درصد آن‌ها در مشاغل آزاد مشغول به فعالیت هستند.

فراوانی زنان مطلقه مورد مصاحبه قرار گرفته ۳۸/۵ درصد می‌باشد و ۶۱/۵ درصد به زانی اختصاص دارد که اقدامات قانونی جهت ارائی دادخواست طلاق را انجام داده‌اند و هنوز حکم طلاق آن‌ها توسط محاکم صادر نشده است. مدت ازدواج کمتر از سه سال در ۴۹/۵ درصد زنان با بیشترین فراوانی مشاهده گردید و اختلاف سنی بین ۷-۴ سال با درصد فراوانی ۴۲/۸۶ درصد بود. ۶۱/۵۳ درصد زنان، فرزند نداشتند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد بیشترین متقاضیان طلاق زانی هستند که از عمر ازدواج آن‌ها کمتر از سه سالمی گذرد و این مبین کاهش عمر ازدواج در اختلافات منجر به طلاق می‌باشد. همچنین نبود فرزند در متقاعد کردن افراد به طلاق اثر مثبت نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

مضامین اصلی (محوری)	مضامین جزئی	مفاهیم اولیه
عوامل ناراضیاتی جنسی زوج متأثر به عملکرد فردی زوج	سبک زندگی زوج	اعتیاد به تماشای فیلم‌های پورنوگرافیک تنوع طلبی جنسی زوج اشتغال طولانی مدت و کار زیاد اعتیاد به مواد مخدر و الکل بی توجهی به نظافت شخصی و ظاهر / وسواس شدید ارتباطات غیراخلاقی زوج و ...
	باورهای مذهبی	فقدان باورهای مذهبی تمسک به باورهای مذهبی
	فقدان تمایل جنسی نسبت به همسر	سرد مزاجی (با علل جسمی) لذت نامتعارف خیانت

عوامل نارضایتی جنسی زوجه نظر به روابط جنسی بین زن و زوجین	خلاء در روابط عاطفی	فقدان نوازش فقدان عشق، درک و همدلی پرخاش‌گری و عصبانیت شکاک بودن زوج (پارانویید)
	خشونت جنسی	تجربه اولین رابطه اصرار به رابطه در دوران حیض رابطه نامتعارف خشونت در رابطه
	بد عملکردی جنسی	اختلال ارکتیل بد عملکردی در ایجاد ارگاسم
	باورهای جنسی	لذت یک سویه انفعال در رابطه از سوی زن فقدان ارتباط کلامی جنسی
تفاوت باورها، باورهای نادرست، باورهای نادرست و محاکم	تبعات فردی نارضایتی جنسی زوجه	تنفر از مردان کاهش اعتماد و عزت نفس افسردگی زن استرس و اضطراب احساس حقارت
	تبعات اجتماعی نارضایتی جنسی زوجه	تمایل به رابطه غیراخلاقی انزوای اجتماعی حضور در صفحات مجازی نامتعارف توسط زن
	درک از تابو و مواجهه با آن (نگرش فردی و بستر اجتماعی)	ترس از آبرو و محرومیت خانوادگی خط قرمزها در مسائل جنسی عدم مطالبه‌گری در خواسته‌های جنسی غرور زن فقدان آموزش کارآمد ترس از قضاوت خلاء های قانونی جو و فضای حاکم در محاکم عدم تمایل و کلا به طرح دعاوی جنسی دشواری و طولانی بودن اثبات پروسه دعاوی جنسی

۱.۳ عوامل نارضایتی جنسی زوجه ناظر به عملکرد فردی زوج

۱.۱.۳ سبک زندگی زوج

حاوی نکات مهمی از شیوه زندگی همسران زنان مورد مصاحبه می باشد. بی توجهی به نظافت شخصی و جذاب نبودن ظاهر، وسواس شدید و بی میلی جنسی، تماشای فیلم های غیراخلاقی و پورنوگرافیک، ارتباطات غیر اخلاقی، کار بیش از حد و توجه زیاد به مسایل کاری و استعمال مواد مخدر و الکل از مولفه های اثر گذار مطرح شده می باشد.

۲.۱.۳ باورهای مذهبی و یا فقدان آن در روابط زوجین:

فقدان باور مذهبی توسط ۱۳ نفر و تمسک به باورهای مذهبی از سوی پنج نفر گزارش شده است.

۳.۱.۳ فقدان تمایل جنسی مرد نسبت به زن

سرد مزاجی (جسمی) زوج و خیانت مرد از مولفه های موثر در عدم تمایل جنسی مرد نسبت به همسرش می باشد.

۲.۳ عوامل نارضایتی جنسی زوجه ناظر به روابط عاطفی و جنسی بین زوجین

۱.۲.۳ خلاء در روابط عاطفی

فقدان نوازش و روابط محبت آمیز کلامی، پرخاشگری و عصبانیت مفاهیم داخل در مقوله روابط عاطفی می باشند.

۲.۲.۳ خشونت جنسی

تجربه اولین رابطه و تصویر باقی مانده از رابطه بر روان، خشونت جنسی، اصرار به رابطه نامتعارف جنسی و تقاضای رابطه در دوران حیض، تحت عنوان خشونت جنسی طرح شده است.

۳.۲.۳ بدعملکردی جنسی زوج

اختلال ارکتیل و بدعملکردی در ایجادارگاسم، ناکامی جنسی را به همراه دارد.

۴.۲.۳ باورهای جنسی

انفعال در زمان رابطه به واسطه غرور، خجالت، ترس و تنفر از همسر، باورهای کلیشه ایی دو طرفه، فقدان ارتباط کلامی جنسی، مفاهیم در شکل گیری مقوله باور جنسی می باشد. رقیه: "حسم این بود آگه نیازم رو صریحا بگم غرورم شکسته میشه، نمیدونم شاید هم خجالت می کشیدم".

۳.۳ مسایل جامعه پیرامونی و محاکم

۱.۳.۳ پیامدهای تابوهای جنسی

۱.۱.۳.۳ تبعات فردی و اجتماعی ناکامی جنسی

اثر مهم ناکامی جنسی، اقدام به جدایی در این زنان است که حایز اهمیت می باشد. در کنار این اثر، ناکامی ها بر روح و جسم افراد و همچنین روابط اجتماعی شان نیز اثر گذار بوده است.

تنفر از مردان، اقدام به خودکشی، کاهش اعتمادبه نفس، استرس و اضطراب، احساس حقارت و کاهش عزت نفس، زودرنجی و افسردگی از اثرات فردی مواجهه با اختلال و ناکامی جنسی است.

مهسا ۳۴ ساله گفته است: "از بس که منو با پورن استارها مقایسه و تحقیر میکرد، اعتماد به نفسم کم شده، گاهی از خودم بدم میاد".

از سویی این زنان از اثرات و تبعات اجتماعی ناکامی جنسی نیز مصون نبوده اند و به روابط خارج از ازدواج در شبکه های مجازی مبادرت نموده اند.

۲.۳.۳ درک از تابو و مواجهه با آن

در مصاحبه ها ترس و واهمه از افشای اطلاعات در زنان دیده می شد. همچنین، در ابتدای مصاحبه، نوعی از شرمساری و خجالت مشهود بود که به مرور با اعتماد سازی، افراد تمایل

به طرح مشکلات خود یافتند. قبل از درخواست از افراد در بیان برداشت از تابو، نحوه ارایه دادخواست طلاق مورد پرسش قرار گرفت و علل مکتوم نگه داشتن علت اصلی طلاق در مصاحبه های عمیق واکاوی شد. نگرش شخصی زنان به مساله تابو و عوامل فردی واجتماعی استخراج گردید.

در نگرش شخصی فرد به مساله تابو، عللی چون زشت بودن، خط قرمز داشتن صحبت راجع به مسایل جنسی، خجالت، ترس از برچسب و قضاوت توسط همسر، غرور، ضعف اعتماد به نفس خودنمایی می کند.

فریبا ۳۸ ساله می گوید: "کافیه با کسی در مورد این مسایل صحبت کنی و بگی مشکل داری آن وقت متهم به بی حیایی میشی."

اگرچه بخشی از زنان معتقدند امروزه بواسطه رسانه ها از مسایل جنسی، بیشتر صحبت می شود و قبح این مسایل ریخته شده است، اما همچنان طرح این مسایل در مجامع عمومی دارای خطوط قرمز بوده و به راحتی نمی توان از آن صحبت کرد.

سیما ۴۲ساله: "تلگرام و اینترنت پر شده از مطالب جنسی، انگار قبحش داره می ریزه، ولی من هنوز هم نمی تونم راحت صحبت کنم."

هم چنین نگرانی از ارتباط جنسی همسر با دیگران و ترس از بی سرپناهی بچه ها، از عللی بوده که تا مدت ها زنان آسیب دیده را از تقاضای طلاق منصرف می نموده است.

پری ۳۹ ساله می گوید: "اوایل به خاطر بچه ها حرفی نمی زدم و خواسته های غیر منطقی اش را تحمل می کردم. اما بعد یه مدت دیدم بخاطر وضعیت روحی من بچه ها هم دارند عذاب می کشند."

۳.۳.۳ مقوله جزئی بستر اجتماعی (جامعه پیرامونی)

عوامل موثر اجتماعی در اطراف فرد آسیب دیده، اثر بسیاری بر شکل دهی نگاه این افراد در تابوهای جنسی داشته و مانع از احقاق جنسی و طرح آن در دادخواست طلاق شده است. ترس از قضاوت و برچسب خوردن، نگرانی از آبرو، ترس از طرد شدن از مهم ترین مفاهیم به دست آمده در بستر اجتماعی هستند.

هاجر ۳۳ ساله: "خانواده من همیشه نگران آبروشون هستند، طلاق را بد می دونند، آن وقت چطور میشه گفت بخاطر روابط جنسی جدا شدی؟ از بی آبرویی آنها می ترسیدم."

یکی از مهمترین مفاهیم به دست آمده، عدم تمایل برای مراجعه به مشاور و به ویژه از سوی مردان عنوان شده است. مردان دارای اختلال، به دلایلی چون مگر من دیوانه ام؟ و یا غرور و ژست دانایی از مراجعه به مشاور سرباز زده و کمکی در جهت درمان نمی کردند.

سارا ۳۲ ساله: "همسرم خیلی خودش رو قبول داشت و مغرور بود، نمی خواست قبول کنه مشکل داره، هر وقت پیشنهاد رفتن پیش مشاور را می دادم جنجال به پا می کرد که ما مشکلی نداریم تو زیادی بزرگش می کنی".

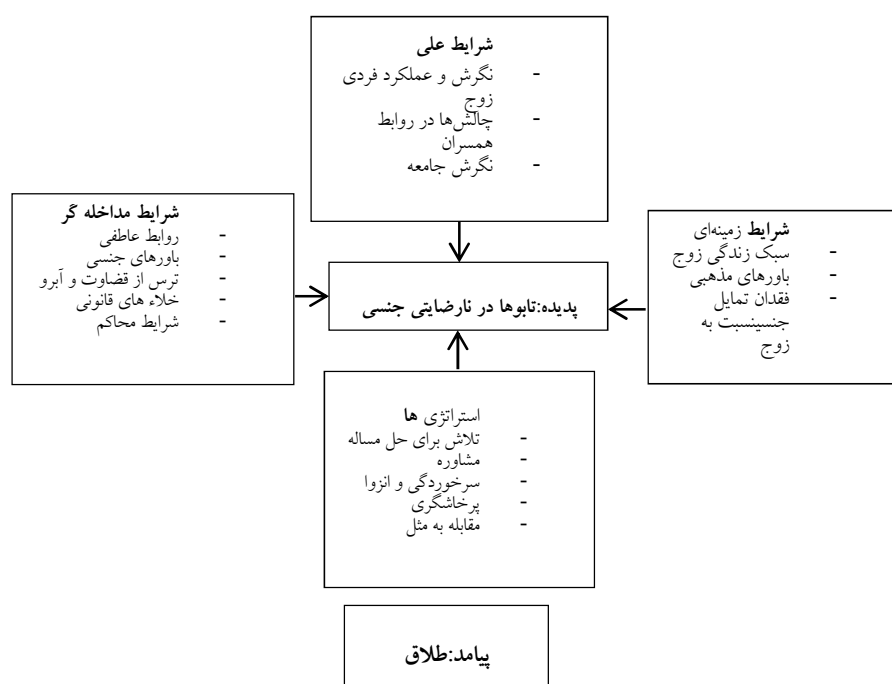
همچنین، علاوه بر نگرش شخصی فرد آسیب دیده و بستر جامعه و اطرافیان، شرایط محاکم، از جمله مفاهیمی است که بدان اشاره شده است. خلاء قانونی، فضای رسمی و خشک محاکم، عدم حمایت گری از سوی قاضی، نبود قاضی مشاور زن و یا منفعل عمل نمودن وی از جمله مواردی بود که زنان در مواجهه با دادگاه به آن اشاره داشته اند. از سویی مشاوره با وکلا و اذعان به خلاء قانونی از سوی آنان در زمینه اختلالات جنسی، افراد را در مکتوم داشتن علت طلاق مصمم تر نموده است.

برخی از افراد، به پیگیری پرونده طلاق از سوی وکیل اشاره داشته اند که وکلای منصوب از سوی آنان نیز، اشاره ای به مساله نداشته و دادخواست ها را ذیل عناوین مطالبه مهریه، نفقه، عدم تفاهم اخلاقی مطرح نمودند. بر این اساس، محقق با چندین نفر از وکلای دعوای خانوادگی مصاحبه نمود و نتایج به دست آمده نشان از وجود تابو در بین وکلا نیز دارد. وکلا دلایلی چون انحصار مشکلات جنسی در عیوب جنسی مصرح در قانون و عدم توجه قانونگذار به اختلالات ویا انحرافات جنسی را بیان نموده که این امر سبب می شود اثبات ادعا دشوار شود. همچنین، بیان داشته اند به علت خصوصی بودن روابط جنسی و دشوار بودن اثبات آن به وسیله کارشناسان و دادگاه، عمدتاً از طرح این مسایل خودداری نموده و سریع ترین راه جهت دریافت نتیجه پیگیری می شود. چندتن از وکلا نیز، اعلام نموده اند به دلیل خاص بودن این روابط و شرایط محاکم و برخورد قضات و یقین به بی حاصل بودن اعلام علت اصلی، از طرح در دادگاه خودداری کرده اند. دو نفر از وکلا نیز، خجالت و شرم را مانع طرح دانسته اند.

فاطمه که ۱۵ سال سابقه وکالت دارد بیان می کند: "معمولاً وکلا به خاطر شرم و خجالت، ابا دارند به قاضی با ذکر جزئیات، مشکل جنسی فرد را بگویند، از طرفی بر فرض گفتن اثبات آن خیلی سخت و زمان بر هست. چطور می خواهیم ثابت کنیم، فرد دچار بی میلی جنسی به همسرش هست".

هم چنین سمانه با هفت سال سابقه وکالت می گوید: "وکلا سعی می کنند سریع ترین راه را انتخاب کنند تا موکل هم سریع تر به حقوقش برسد و دردسر کمتری داشته باشد، اثبات مسایل جنسی یکی از سخت ترین دعوها هست چون نه قانون مشخصی دارد و نه به راحتی میتوانیم ثابت کنیم".

به نظر میرسد شرایط محاکم و نبود قانون و دشواری اثبات اختلالات جنسی، دلایلی است که افراد و وکلا را به سمت طرح عناوین دیگری سوق می دهد.



شکل ۱: الگوی تابوها در نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق

۴. بحث و تحلیل

برای درک از تابوها در سطح جامعه و تابوهای جنسی در بین زنان متقاضی طلاق، ابتدا باید مشخص می‌گردید از دید این افراد ضعف در رابطه‌ی جنسی زناشویی چگونه تعریف می‌شود و آن‌ها چه مواردی را جزء اختلالات و آسیب‌ها گزارش می‌نمایند و شدت و

ضعف هریک از مفاهیم مطروحه در کنار سایر عوامل سنجیده می‌شد. تلاش گردید با ایجاد فضای اطمینان و امنیت، افراد را جهت بروز تفکرات و باورها و نگرش‌ها متقاعد نمود. یافته‌های پژوهش از سویی با آموزه‌های شرعی و دینی متقن در اسناد معتبر و همچنین پژوهش‌های معاصر انجام شده، تطابق داده شده است.

از بین مقوله‌های محوری استخراج شده، بدعملکردی جنسی شامل بدعملکردیدر ایجادارگاسم در صدر قرار دارد و همه زنان نمونه پژوهش از کیفیت رابطه‌ی خود ناراضی بوده و ارگاسم را تجربه نکرده‌اند. ارگاسم زنان حاصل تجمیع علل روانی و عاطفی و جسمی است.

یافته‌های این پژوهش، با نتایج پژوهش مرقاتی خوئی (۱۳۹۵) در ضرورت نوازش، هم‌سوئی دارد. نتایج این پژوهش آشکار می‌نماید که انگیزش جنسی توسط همسر اهمیت ویژه‌ای در آمادگی پیش از رابطه داشته و نبود آن رضایت قلبی و روانی را از بین می‌برد.

همچنین، خداباوری، یکی از عواملی است که در سطح فردی و اجتماعی به تنظیم روابط افراد معنا بخشیده و اثرگذار است. آموزه‌های دینی سرشار از تکریم و لطف و مهربانی به زنان است و حتی درخصوص روابط جنسی بدون هیچ پرده‌پوشی محبت و توجه به مطالبات زن را مورد توجه خود قرار می‌دهد. بدیهی است نبود باورهای دینی و اعتقاد به نیروی برتر، در سطح خشونت رفتاری، جنسی و ظلم به زنان متبلور می‌شود و نارضایتی جنسی و زناشویی را پدید می‌آورد.

آمادگی روحی زوجین یکی دیگر از مهم‌ترین شروط رابطه جنسی است که این آمادگی روانی منجر به کسب آرامش و لذت توامان می‌گردد. یافته‌های پژوهش پیرامون خشونت جنسی با یافته‌های رضایی (۱۳۹۶) و گودرزی (۱۳۹۵) هم‌سو می‌باشد. نتایج پژوهش‌های مذکور نیز نشان می‌دهد زنان آسیب‌دیده انواعی از خشونت‌ها از جمله رابطه‌ی جنسی در زمان حیض، تداوم بیش از حد رابطه بدون توجه به خواست زن و عدم آماده‌سازی عاطفی را در ابتدای روابط از مصادیق خشونت تلقی کرده‌اند و بیان داشته‌اند به سبب آن که قوانین و موازین شرعی مخالفتی با اصول عقلی ندارند و بر مبنای قاعده ملازمه (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) خشونت و تعرض جنسی در اسلام خلاف عقل بوده از این رو خلاف شرع نیز می‌باشد. همچنین اصرار به رابطه‌ی نامتعارف که در عرف، غیرمعمول و نامتعارف محسوب می‌شود، در صورت نارضایتی زنان نوعی از خشونت به شمار می‌آید که علاوه بر صدمات روحی، صدمات جسمی را نیز در پی خواهد داشت.

آنچه در یافته‌ها قابل توجه بود، اشاره به حادثه‌ی تجاوز به مردان در کودکی بدون اعلام گزارش به خانواده و یا مراجع قانونی بود که این امر نشان‌دهنده‌ی اثرات روانی این حادثه به صورت نقاط کور در روان مردان و تاثیر آن در روابط زناشویی و اعمال با خشونت می‌باشد.

همچنین اصرار به رابطه در دوران حیض که خود همراه با فشارهای روحی و جسمی ویژه‌ای برای زنان می‌باشد قابل توجه است. طبق نص صریح قرآن کریم، از رابطه در این دوران نهی شده است و حیض را دوران اذیت و سختی زنان معرفی نموده است (بقره، ۲۲۲).

در مفهوم تماشای فیلم‌های پورنوگرافیک، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سبک زندگی زناشویی ارتباط معناداری با احتمال گرایش به رابطه‌ی غیرمجاز داشته و به‌طور قابل ملاحظه‌ای بی‌تفاوتی اخلاقی را در میان زوجین افزایش می‌دهد. اثر این فیلم‌ها به دو گونه‌ی متفاوت خود را بروز می‌دهد؛ از سویی منجر به زیاده‌خواهی مردان در مطالبات جنسی‌شان از زنان هویدا می‌شود که خواستار رفتارهای مشابه بازیگران فیلم‌های پورن می‌شوند و خود نیز بدان شیوه عمل می‌نمایند که عمدتاً با خشونت همراه است و چون در بسیاری از موارد به دلیل نبود شرایط لازم آماده‌سازی منطبق با فیلم‌ها، در عمل متفاوت بوده، حس نارضایتی و خشونت و پرخاش پدید می‌آید. ایجاد مقایسه بین روابط شخصی با سبک روابط فیلم‌ها، بی‌میلی به همسر و پررنگ شدن نقایص جسمی طرف مقابل از دیگر اثرات می‌باشد که همگی منجر به نارضایتی جنسی می‌شود. نتایج پژوهش با یافته‌های مزینانی (۱۳۹۱) هم‌سو می‌دارد.

سوال اصلی پژوهش تاثیر تابوهای جنسی در نوع دادخواست طلاق تقدیمی به محاکم بود. زنان در مرحله‌ی اعلام علت درخواست طلاق از گفتن حقیقت ابا داشته و در قالب عناوین دیگری چون خشونت، نفقه، عدم تفاهم و سوءرفتار، دادخواست خود را ارائه داده‌اند. این مسئله در بادی امر، فاقد اهمیت تلقی می‌شود اما اثرات مترتب بر عواقب حقوقی و حقوق حاصله از آن سبب می‌شود تا افراد با ناآگاهی از تمتعات قانونی خود بی‌بهره بمانند.

در سطح فردی، ترس از قضاوت شدن و برچسب خوردن از مهم‌ترین دلایل فردی در ایجاد تابوی جنسی در زنان شناسایی گردید. این افراد بیان داشته‌اند اگر دیگران متوجه علت طلاق شوند احتمال سوء برداشت و اتهام به فساد در آن‌ها تقویت می‌شود. یافته‌های این مقوله با یافته‌های زیاری (۱۳۹۶) هم‌سو می‌باشد. در سطح فردی، باور این افراد بر قبیح

و زشت دانستن صحبت پیرامون این مسائل شکل گرفته و نمود بیرونی آن شرم در حین مصاحبه و پرهیز از بیان حقایق در دادگاه بوده است.

اثر نگاه خانواده به عنوان مهم ترین عامل اثرگذار بر شکل گیری باورها و عقاید و تفکرات افراد در پاسخ ها کاملاً مشهود است. تفکر مردسالارانه با نگاه ضعیفه بودن زن که دارای کمترین سهم در روابط جنسی می باشد و همچنین نگاه ابزاری به زن، منبعث از تلقی نگاه مادر و انتقال آن به دختران دیده می شود.

ارتباطات بین فردی و صحبت های ردوبدل شده میان افراد در محیط پیرامونی در موارد مشابه که همگی زنان را متهم به ناکارآمدی، ضعف در برقراری رابطه، زن فاحشه و فاسد از فاکتورهای اثربخش شمرده شده اند.

در این مفهوم، توجه به درمان اختلالات نیز مورد توجه قرار گرفته است. برخی از افراد در بادی امر با تشویق همسران به درمان اختلال سعی در مرتفع داشتن مشکل داشته اند که مجدداً وجود تابو در این مرحله خودنمایی می کند. تفکراتی چون کامل بودن از سوی مرد، غرور و همه چیزدانی و عدم پذیرش ضعف و ناکارآمدی از سوی مردان دیده می شود. همچنین زشت و قبیح دانستن حضور در مراکز مشاوره با دلالت ضعف و ناتوانی از سوی مردان مطرح شده است.

به نظر می رسد اثر تابوها در نهاد جمعی جامعه تا حدی نهادینه شده است که در حوزه درمان، پیش گیری و پی گیری حقوقی اثرگذار می باشد.

سویهی دیگر درک از تابو، بستر اجتماعی و اختصاصاً محاکم دادگستری می باشد. وجود قضات مرد که عموماً با نوعی جدیت و تحکم خاص بر مسند قضاوت نشسته اند، موجب اثرگذاری بر عدم بیان حقایق بوده است. زنان بیان داشته اند از قاضی مرد شرم داشته و نتوانسته اند حقیقت را تمام و کمال بگویند. از سویی از سمت قاضی نیز سوالات فنی و کارشناسانه در واکاوی طلاق صورت پذیرفته است. همچنین در برخی محاکم، قاضی مشاور زن حضور نداشته و در معدود محاکم که با حضور ایشان تشکیل شده است، قاضی مشاور زن به صورت اختصاصی و پنهان دلایل را مورد ارزیابی قرار نداده است. لازم به ذکر است در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، حضور قاضی مشاور زن در محاکم الزامی شد، اما به دلیل کمبود نیروی کارآمد این امر در بیشتر محاکم با تاخیر پنج ساله عملیاتی گردید. با توجه به اهمیت موضوع فروپاشی خانواده، ضرورت می یابد در محاکم دعاوی خانوادگی به دقت و تحت نظر قضات مسلط بر مبانی روان شناختی و پزشکی روابط جنسی، امر ارجاع شده مورد بررسی قرار گیرد.

به‌طور کلی نتایج حاصله، نشان‌دهنده‌ی اثر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی است که این امر در تمامی ابعاد قابل تسری است. روابط جنسی، نقش یک متوازن‌کننده را در روابط زوجین بازی می‌کند که قوت در آن می‌تواند نواقص و کمبودها در سایر حوزه‌ها را بپوشاند و از سویی ضعف در آن نیز می‌تواند در کل شئون اثرگذار بوده و نارضایتی مداوم ایجاد نماید. سلامت روابط جنسی زوجین پس از اثربخشی مثبت بر نهاد خانواده، اثر خود را در جامعه و سالم‌سازی آن عیان می‌کند. کاهش اعتمادبه‌نفس و خودباوری زنان، افسردگی و اضطراب، تنفر از مردان و کاهش علاقه به ازدواج مجدد بعد از طلاق، تمایل به ارتباط با جنس مخالف از طریق چت، برقراری رابطه‌ی عاطفی و رابطه‌ی جنسی، انزوای اجتماعی، از جمله عوارض فردی و اجتماعی ناکامی جنسی است.

وجود تابوها در روان جمعی افراد نیازمند کار کارشناسانه ی پژوهش‌گران، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان است تا با بسترسازی مناسب در شکستن سکوت افراد در موارد بحران‌آفرین و خاص یاری برسانند. یقیناً این امر با حیازدایی و بیان بی‌پرده‌ی مسائل جنسی اتفاق نمی‌افتد و تنها از رهگذر حرکت‌های دقیق علمی و روان‌کاوانه می‌توان به هدف دست یافت. از سویی خلاء قانونی در مورد اختلالات جنسی حائز اهمیت است. موارد مطرح در قانون، محدود در عیوب جنسی است و صحبتی از بدعملکردی و اختلال در قانون نشده است. این امر قضات و وکلای را در پی‌گیری و صدور رای محدود می‌نماید. ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی که موارد عسر و حرج را برشمرده است بستری است که می‌توان عسر و حرج جنسی را به مصادیق آن افزود، شکل طلاق را با تمسک به آن تغییر داد و لازمه‌ی این امر شکستن تابو در محاکم با فراهم نمودن زمینه‌های آن می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

- سلامت یا اختلال در روابط جنسی زن و شوهر، بر عملکرد فردی و اجتماعی آنها اثرگذار بوده، در ایجاد یا فقدان حس کامیابی و نشاط آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند.
- اختلالات جنسی متأثر از تربیت و آموزش جنسی ناکافی یا الگوهای فرهنگی و عرفی متعارض، می‌تواند منجر به سکوتی رنج‌آور و پنهان‌گردیده و به روان و جسم زنان آسیب بزند.
- پارادایم کلی نظریه متشکل از پدیده، که تبیین نارضایتی و تابو جنسی در زنان و اثر بخشی آن در دادخواست‌های طلاق بوده و شرایط علی در سه مقوله محوری

- نگرش و عملکرد فردی زوج، چالش‌ها در روابط همسران و ابعاد و زمینه‌های اجتماعی آشکار گردید.
- همچنین شرایط زمینه‌ای چون، سبک زندگی زوج، باورهای مذهبی و فقدان تمایل جنسی نسبت به زوجه موثر در اختلال در روابط تشخیص داده شد.
 - عوامل مداخله‌گر نیز، شامل روابط عاطفی، باورهای جنسی، ترس از قضاوت و آبرو، خلاءهای قانونی و شرایط محاکم شناسایی شد. استراتژی زنان در مواجهه با پدیده، تلاش برای حل مساله، مشاوره، سکوت، سرخوردگی، پرخاش‌گری و مقابله به مثل بوده است
 - در سطح فردی، ترس از آبرو و محرومیت خانوادگی، خط قرمزها در مسائل جنسی، عدم مطالبه‌گری در خواسته‌های جنسی، غرور زن، ترس از قضاوت شدن و برچسب خوردن از مهم‌ترین دلایل فردی در ایجاد تابوی جنسی در زنان شناسایی گردید.
 - در سطح اجتماعی و محاکم، دشوار و طولانی بودن اثبات پروسه دعاوی جنسی، فقدان آموزش کارآمد، خلاءهای قانونی، جو و فضای حاکم در محاکم، عدم تمایل و کلا به طرح دعاوی جنسی در ایجاد تابوها موثر بود.

پیشنهادات و راهکارها

- این پژوهش با هدف کشف تابوهای جنسی و تاثیر آن بر دادخواست‌های طلاق صورت پذیرفت. ضرورت پژوهش مکمل دیگری با هدف بررسی نواقص و خلاءهای قانونی در حیطه روابط جنسی، اهمیت می‌یابد.
- فراهم نمودن بستر تربیت جنسی به شکل کاملاً هدفمند و منسجم و با رعایت حریم و موازین شرعی از خانواده و در ادامه در مدارس و در کتاب‌های درسی سبک زندگی، تا اطلاعات لازم از کانال قابل اعتماد و از سوی معلمین دلسوز ارائه گردد، که این امر در احقاق حق جنسی افراد بدون ترس و شرم موثر خواهد بود.
- توجه ویژه رسانه‌های جمعی به آموزش و ارائه اطلاعات مورد نیاز در حوزه روابط جنسی با حفظ موازین
- الزامی نمودن کلاس‌های متعدد مشاوره جنسی و حقوقی برای دختران و پسران قبل از عقد ازدواج و تداوم آن در طی زندگی مشترک

- توجه ویژه قانونگذار به مساله فراهم سازی بستر محاکم و قضات ویژه در حل تعارضات جنسی در راستای احقاق حقوق افراد مبتنی بر شرع و قانون
- ضرورت تدوین منابع مفید همچون کتاب ویا محتوا در بستر فضای مجازی و ارایه آموزش توسط نخبگان و کارشناسان زبده
- تربیت نیروهای کارآمد و مسلط بر حوزه زنان و روان شناسی و روابط جنسی و بکارگیری این افراد در محاکم تحت عنوان مشاور و قاضی مشاور

محدویت های پژوهش

- صحبت پیرامون روابط جنسی، امری خصوصی بوده و تابو محسوب می گردد. یافتن افراد درگیر با موضوع اختلال جنسی و متقاعد کردن به صحبت از دشواری های پژوهش بود. تابو بودن امر جنسی، در محدود بودن منابع پرداخته شده به موضوع نیز مشاهده گردید.
- در طول مدت مصاحبه، نگرانی از افشای هویت، شرم و خجالت مشهود بود

پی نوشتها

1. Mooijman
2. Grant H. Brenner

کتابنامه

- استراس، آنسلمو، جولیت کوربن (۱۳۸۵)، اصول وروش تحقیق کیفی (نظریه مینایی، رویه ها و شیوه ها)، (بیوک محمدی)، چاپ یازدهم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسدی، عدالت وهمکاران (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متاهل"، مشاوره و روان درمانی خانواده، ۳(۴)، ص ۶۸۴-۶۶۱.
- اسدی، لیلیا (۱۳۸۵). "حق جنسی، اختلال و انحراف در آن در قوانین موضوعه"، فقه و حقوق خانواده، شماره ۱۱(۴۳)، ص ۶۱-۳۶
- حراعاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۳ ق)، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، چاپ اول، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- رضایی، مهدی و آبدار، شیرین (۱۳۹۶)، "خشونت جنسی در خانواده، یک پژوهش کیفی"، پژوهش نامه زنان، سال هشتم، ۸(۱۹)، ص ۵۹-۳۵.

طلایی زاده، فخری و بختیار پور، سعید(۱۳۹۵)، "رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین"، اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی، ۱۰(۴۰)، ص ۳۷-۴۶.

عبداللهی، حمید و همکاران (۱۳۹۰)، "داغ ننگ و هویت اجتماعی (بررسی موردی عوامل اجتماعی داغ ننگ زننده بر افراد دارای معلولیت آشکار در شهر رشت)"، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲(۶-۵)، ص ۱۹۵-۲۲۲

فروید، زیگموند(۱۳۹۴)، توتم و تابو، (حمیدرضا غیوری)، اول، تهران: راستین

فوکو، میشل(۱۳۹۰)، "دانش و قدرت"، (محمد ضمیران)، چاپ پنجم، تهران: هرمس

فیلیک، اووه (۱۳۹۴)، "درآمدی بر تحقیق کیفی"، (هادی جلیلی)، چاپ هشتم، تهران: نی

قائدی، غلامحسین(۱۳۹۵)، "اختلالات روان پزشکی و بدکارکردی های جنسی"، مجله روان شناسی بالینی و شخصیت، ۱۴(۱)، ص ۱۵۷-۱۷۸

گودرزی، فریبا و همکاران(۱۳۹۵)، "بررسی روان شناختی تجاوز جنسی زناشویی با نگاهی بر جنبه فقهی و حقوقی موضوع"، پژوهشنامه زنان، ۷(۱۸)، ص ۶۷-۱۰۰

مارشال، کاتریت و گرچن، ب راس(۱۳۷۷)، روش تحقیق کیفی، (علی پارسایان و محمد اعرابی) چاپ پانزده، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی

محمد صادق، عاطفه(۱۳۹۴)، بررسی مشکلات جنسی زنان متقاضی طلاق و مقایسه آن با زنان راضی از زندگی مشترک، پایان نامه ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی

مصطفوی، جواد، (۱۳۷۴)، بهشت خانواده، چاپ سوم، تهران: هاتف

معصومی، سمیرا و همکاران (۱۳۹۶)، "پیش بینی رضایت جنسی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین"، مطالعات زن و خانواده، ۵(۱)، ص ۷۹-۱۰۱

موحد، مجید و عزیزی، زهرا(۱۳۹۰)، "مطالعه رابطه رضایت مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران"، زن در توسعه و سیاست، ۹(۲)، ص ۱۸۱-۲۰۶

میرشمشیری، مرجان و همکاران(۱۳۹۴)، "بررسی رابطه بین احقاق جنسی و تعارضات زناشویی در زنان"، مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۳(۴۰)، ص ۲۴۳-۳۵۲

نعیمی، محمدرضا(۱۳۹۱)، "مشکلات جنسی و طلاق(مورد مطالعه استان گلستان)، مطالعات جامعه شناختی ایران"، ۲(۴)، ص ۷۹-۹۴

Berenner, H. (2010) « to speak or Not speak- the taboo of communication », journal of Gay & Lesbian Mental Health

Elo, S. Helvi, k (2008) «The Qualitative Content analysis process ». JAN Leading Global Nursing Research

Flick, A. (2015). "The Income on Qualitative Research," (Hadi Jalili), Eighth Edition, Tehran: Ney

- Foucault, M. (2011). "Knowledge of the Lord", (Mohammad Zamiran), fifth edition, Tehran: Hermes
- Freud, Z (2015). Totem and Taboo (Hamid Reza Ghayouri), First, Tehran: Rastin
- Gheedi, GH (2016). "Psychiatric disorders and sexual maladministration", Journal of Clinical Psychology and Personality, 14 (1), pp. 178-157.
- Heieh,F. Hsiu ,E. Shanon,S(2005). «Teree Approaches to Qualitative content analysis» .SAGE journal
- Moojiman, M . Wilcowthe,V (2014) « self in moral judgement:how self affirmation affacts moral condemnation of harmless sexual taboo violations » .Congintion and Emotion
- Strauss, A (2006). Principles and Methods of Qualitative Research (Majestic Theory, Procedures, and Practices), (Biouk Mohammadi), 11th Printing, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies